

هدایای روح القدس:

خدا ما را فراخوانده تا اعمال عیسی را انجام داده و شاگردان او باشیم. همزمان خدا ضعفها و محدودیتهای ما را می شناسد. بدین خاطر خدا روح القدس را فرستاد تا کمکیار و مددکار ما باشد. وقتی من و شما فرزندان خدا شویم، او روح القدس را برای مأموریتی که برای تک تک ما دارد بخشید. هر مأموریتی که باشد ما از عهده آن برمی آیم چون خدا به ما آن قدرت، نیرو و کمکی را که نیاز داریم می بخشد. از طریق روح القدس.

اول قرنتیان ۳۱ و ۱۲ و ۱:۱۲

- ۱- حال، ای برادران، می خواهم درخصوص عطیایی که روح القدس به هر یک از شما می بخشد، نکاتی بنویسم، زیرا می خواهم این موضوع را بدقت درک کنید و برداشت نادرست از آن نداشته باشید.
- ۲- یقینن بیاد دارید که پیش از ایمان آوردن به خداوند، در میان بتهایی که قادر به سخن گفتن نبودند، سرگردان بودید و از یک بت به بت دیگر پناه می بردید.
- ۳- اما اکنون به کسانی برمی خورید که ادعا می کنند از جانب روح خدا برایتان پیغامی دارند. چگونه می توان دانست که آیا ایشان واقعاً از جانب خدا الهام یافته اند، یا اینکه فریبکارند؟ راهش اینست: کسی که تحت قدرت روح خدا سخن می گوید، هرگز نمی تواند عیسی را لعنت کند. هیچکس نیز نمی تواند با تمام وجود عیسی را خداوند بخواند، جز اینکه روح القدس این حقیقت را بر او آشکار ساخته باشد.
- ۴- گرچه عطیایی که خدا بما می بخشد گوناگون است، اما اصل و منشاء تمام آنها، روح القدس است.
- ۵- با اینکه می توان خدا را از راههای مختلف خدمت کرد، اما همه همان خداوند را خدمت می کنیم.
- ۶- خدا یکی است، اما بصورتهای مختلف در زندگی ما عمل می کند. او همان خداست که در همه ما و بوسیله ما که از آن او هستیم، کار می کند.
- ۷- در واقع روح القدس بوسیله هر یک از ما، قدرت خدا را جلوه گر می سازد، تا از این راه کلیسا را تقویت نماید.
- ۸- روح القدس بیک شخص عطا می بخشد تا با ارائه راه حل های حکیمانه دیگران را یاری نماید؛ و به دیگری دانستن اسرار را عطا می کند.
- ۹- او به یکی ایمانی فوق العاده عطا می نماید، و به دیگری قدرت شفای بیماران را می بخشد.
- ۱۰- به بعضی قدرت انجام معجزات می دهد، به برخی دیگر عطای نبوت کردن. به یک نفر قدرت عطا می کند که تشخیص دهد چه عطیایی از جانب روح خداست و چه عطیایی از جانب او نیست. باز ممکن است به یک شخص این عطا را ببخشد که بتواند به هنگام دعا به زبانهایی که نیاموخته است، سخن گوید، و به دیگری عطای ترجمه این زبانه را بدهد.
- ۱۱- اما تمام این عطایا از جانب یک روح، یعنی همان روح القدس است، و اوست که تصمیم می گیرد به هرکس چه عطایی ببخشد.
- ۱۲- بدن یکی است اما اعضای بسیار دارد. وقتی تمام این اعضا کنار هم قرار گیرند، بدن تشکیل می شود. « بدن » مسیح نیز همینطور است.
- ۳۱- نه، چنین نیست. پس تا آنجا که می توانید، بکوشید که بهترین عطایا را دریافت کنید. اما اجازه دهید ابتدا راهی را به شما نشان دهم که از تمام این عطایا برتر است.

بگذارید به تصویر ساختن یک خانه بنگریم. اینکار با رویای ساختن یک خانه شروع می شود. یک آرشیتک نقشه می ریزد و بر اساس آن رویا طراحی می کند تا آن به حقیقت بپیوندد. بعد از آن باید یک خانه ساز و معمار کار را ادامه دهد. وی نیز بنوبه خود از هنرمندان و شاغلان مختلفی کمک می گیرد. آدم نمی تواند همزمان با زیر بنا ساختن، شومینه بسازد. هر چیزی در زمان خود جای خود را دارد. خدا نیز بدین شکل کلیسای خود را می سازد. در ابتدای پیدایش خدا رویای قلبی کلیسا را داشت. در تمام دنیا امروزه کلیساهای جدید پر قدرت و زنده بوجود می آید که خدا را از صمیم قلب دوست دارند و بجز خشنود ساختن خدا، کار دیگری نمی خواهند انجام دهند و خواسته خدا را در تمام کشور خود پخش می کنند. در خانه سازی، اشخاص مختلفی دست دارند: نجار، رنگرز، لوله کش و غیره. هرکدام از آنها ابزار مختلفی دارند. نجار با ابزار رنگرزی موفق نخواهد بود و رنگرز با ابزار نجار ناموفق خواهد بود. هدایای روحانی فیض نیز اینطور هستند. هدایای فیض روح القدس به هر کس برای بیشترین نفع برای همگان بخشیده می شود. عیسی فرمود: « من کلیسای خود را خواهم ساخت.» برای موفقیت در ساختمان باید اشخاص صحیح در مکان درست با ابزار درست باشند. جعبه ابزار برای این مأموریت پر از نه ابزار یا هدایا است. تمام این ابزار اسلحه های روحانی پرفردتی هستند که قلعه ها را فرو می ریزند.

اول قرن‌تیان ۲:۴

۴ - پیام و سخنانم نیز بسیار ساده و خالی از حکمت انسانی بود، اما قدرت روح خدا در آن دیده می شد و ثابت می کرد که پیام من از جانب خداست.

کلمه ثابت کردن یا متقاعد کردن در این آیه همچنین معنی نمایش، نشان دادن، تصور کردن و تأیید کردن می دهد. اشخاصی که کور دل هستند حقیقت عیسی را نمی بینند و احتیاج به متقاعد کردن روح القدس که چشمان آنان را باز می کند دارند (که همان قوطی باز کنی که یک قوطی را باز می کند.) وقتی آدم اعمال رسولان را مطالعه می کند، می بیند که هدایای روح القدس بسیار غنی بودند. در یک شهر با قدرت و هدایای روح القدس تمام آن شهر نجات پیدا کردند.

اعمال رسولان ۹:۳۲

۳۲ - پطرس نیز به همه جا رفت و به وضع ایمانداران رسیدگی می کرد. در یکی از این مسافرت ها، نزد ایمانداران شهر لُده رفت.

ما نیز امروزه همانقدری که آنها به قدرت و هدایای روح القدس وابسته بودند، به آن قدرت و هدایا وابسته هستیم. حتی عیسی نیز به هدایای روح القدس وابسته بود.

لوقا ۲۲-۲۰، ۷:۲۰، ۱۸-۱۷، ۴:۱۷، ۵:۱۷، ۱۸-۱۷:۶

۱۷ - سپس همگی از دامنه کوه پایین آمدند و به محلی وسیع و هموار رسیدند. در آنجا تمام پیروانش و گروه بسیاری از مردم، گرد او جمع شدند. این عده از سراسر ایالت یهودیه، اورشلیم و حتی سواحل شمالی صور و صیدون آمده بودند تا سخنان او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند.

۱۸- آن کسانی نیز که از ارواح پلید رنج می بردند، آمدند و شفا یافتند.

۱۷- روزی عیسی در خانه ای مشغول تعلیم مردم بود. عده ای از علمای دین یهود و فریسیها نیز از اورشلیم و سایر شهرهای جلیل و یهودیه در آنجا حضور داشتند. در همان حال، عیسی با قدرت خداوند، بیماران را شفا می بخشید.

۱۷- آنگاه کتاب اشعیاء نبی را به او دادند. او طومار را باز کرد و آن قسمت را خواند که می فرماید:

۱۸- «روح خداوند بر من است! خداوند مرا برگزیده تا مژده رحمت او را به بینوایان برسانم. او مرا فرستاده است تا رنج‌دیده گان را تسلی بخشم و رهایی را به اسیران، بینایی را به نابینایان اعلام نمایم و مظلومان را آزاد سازم.»

۲۰- آن دو شاگرد نزد عیسی رسیدند و گفتند: «یحیی تمعید دهنده ما را نزد تو فرستاده، می گوید آیا تو آن آینده هستی یا منتظر دیگری باشیم.»

۲۱- در همان ساعت، بسیاری را از مرضها و بلاها و ارواح پلید شفا داد و کوران بسیاری را بینایی بخشید.

۲۲- عیسی در جواب ایشان گفت: «بروید و یحیی را از آنچه دیده و شنیده اید خبر دهید که کوران بینا و لنگان راه می روند، جذامیان شفا می یابند، ناشنواها شنوا می گردند، مرده ها زنده می شوند و فقرا پیغام نجاتبخش خدا را می شنوند.»

هدایای فیض چیست؟

هدایایی که با فیض بخشیده شده اند.

این هدایا با پول قابل خرید نیستند، از طریق کار کردن، زرنگ بودن و انجام اعمال خوب نیز بدست نمی آیند و برای یک خدمت امین و طولانی نیز بخشیده نمی شوند بلکه فقط با ایمان از طریق فیض پذیرفته می شود. همانند نجات شما که از طریق فیض و با ایمان دریافت نمودید!

هدف این هدایا:

هدف این هدایا مکاشفه محبت خداست. از طریق این هدایا محبت خدا عملاً و نه فقط با کلمات توخالی معرفی می شود. محبت فعال است. خدا محبت است و بنابراین فعال. محبت بدون عمل مرده است. ما هدایای توصیف شده در اول قرن‌تیان ۱۲ را تقسیم می کنیم تا بتوانیم آنها را راحت تر مطالعه کنیم. آنها عملاً بیکدیگر وابسته هستند. ولی وقتی تقسیم می شوند راحت تر می شود در مورد این نه هدایا تعلیم داد. این هدایا به سه گروه تقسیم می شوند هرکدام از این گروه ها محتوی سه هدیه هستند. بنابراین باهم نه هدیه را تشکیل می دهند.

۱- هدایای مکاشفه.. هدایایی که چیزی را مکاشفه (ظاهر) می کنند.

* کلام دانش

* کلام حکمت

* تفتیش و تشخیص ارواح.

۲- هدایای قدرت .. هدایایی که کاری را انجام می دهند.

* هدیه ایمان

* هدیه معجزه

* هدایای شفا

۳- هدایای تشویقی.. هدایایی که چیزی می گویند.

* نبوت کردن

* به زبانها حرف زدن

* ترجمه زبانها

۱- هدایای مکاشفه: هدایایی که چیزی را مکاشفه می کنند.

این هدیه چیزی را خارق العاده مکاشفه می کند. این یک دانش طبیعی نیست. مکاشفه یعنی فاش کردن و روپوش برداشتن طوری که آن چیز قابل دیدن شده و ظهور کند.

* کلام دانش: یک هدیه خارق العاده که کلام دانش در زمان فعل یا گذشته را آشکار می کند. این دانش عمومی نیست بلکه کلام دانش الهی خداست. نه تمام دانش بلکه کلمات دانش یا قسمتی از دانش الهی خدا. خدا بر همه چیز داناست. ولی او همه چیز را برای انسان آشکار نمی کند. او (خدا) به انسان فقط کلام یا قسمتی از دانش خود را می بخشد. او (خدا) آن چیزی را که می داند ما به آن نیاز داریم را بما می بخشد. این هدیه مانند هدایای دیگر کاملاً خارق العاده است. هیچ یک از این هدایا طبیعی نیست. گاهی اوقات این هدیه بشکل احساسی درونی ظهور می کند.

در مورد مکالمه عیسی با خانم کنار چاه بیشتر در یوحنا ۳۰-۴:۶

۶- سر راه، نزدیک دهکده « سوخار » به « چاه یعقوب » رسید.

۷- این چاه در زمینی است که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود.

۸- عیسی از رنج سفر خسته و از گرمای آفتاب تشنه، کنار چاه نشست. ظهر بود و شاگردان او برای خرید خوراک به ده رفته بودند. در همین وقت، یکی از زنان سامری سرچاه آمد تا آب بکشد. عیسی از او آب خواست.

۹- زن تعجب کرد که یک یهودی از او آب می خواهد، زیرا یهودیان با تنفیری که از سامریها داشتند، با آنان حتی سخن نمی گفتند، چه رسد به اینکه چیزی از آنان بخواهند؛ و زن این مطلب را به عیسی گوشزد کرد.

۱۰- عیسی جواب داد: « اگر می دانستی که خدا چه هدیه عالی می خواهد بتو بدهد و اگر می دانستی که من کیستم، آنگاه از من آب زندگانی می خواستی.»

۱۱- زن گفت: « تو که دلو و طناب نداری و چاه هم که عمیق است؛ پس این آب زندگانی را از کجا می آوری؟

۱۲- مگر تو از جد ما یعقوب بزرگتری؟ چگونه می توانی آب بهتر از این به ما بدهی، آبی که یعقوب و پسران و گله او از آن می نوشیدند؟»

۱۳- عیسی جواب داد « مردم با نوشیدن این آب، باز هم تشنه می شوند.

۱۴- ولی آبی که من به ایشان می دهم، در وجودشان تبدیل به چشمه ای جوشان می شود که دائم به ایشان آب حیات می دهد و ایشان را به زندگی جاوید می رساند.»

۱۵- زن گفت: « آقا، خواهش می کنم قدری از آن آب به من بدهید تا دیگر تشنه نشوم و مجبور نباشم هر روز این راه را بیایم و برگردم.»

۱۶- ولی عیسی فرمود: « برو شوهرت را بیاور.»

۱۷- زن جواب داد: « شوهر ندارم.» عیسی فرمود: « راست گفتی.

۱۸- تابحال پنج بار شوهر کرده ای، و این مردی که اکنون با او زندگی می کنی، شوهر تو نیست. عین حقیقت را گفتی!»

۱۹- زن که مات و مبهوت مانده بود، گفت: « آقا، نکند شما پیغمبرید!»

۲۰- و بلافاصله موضوع گفتگو را عوض کرد و گفت: « چرا شما یهودیها اینقدر اصرار دارید که فقط اورشلیم را محل پرستش خدا بدانید، در صورتیکه ما سامریها مثل اجدادمان این کوه را محل عبادت می دانیم؟»

- ۲۱- عیسی جواب داد زمانی می رسد که دیگر برای پرستش «پدر» نه به این کوه رو خواهیم آورد و نه به اورشلیم.
- ۲۲- مهم نیست که ما کجا خدا را می پرستیم، بلکه مهم اینست که چگونه او را پرستش می کنیم.
- ۲۳- آیا خدا را آنگونه که واقعاً هست می پرستیم؟ خدا روح زندگی بخش است و اگر بخواهیم او را عبادت کنیم، باید عبادت ما به یاری روح خدا باشد که زندگی جدیدی به انسان می بخشد.
- ۲۴- خدا اینگونه عبادت ما را می خواهد. ولی شما سامریها درباره خدا چیزی نمی دانید و کورکورانه او را می پرستید؛ در صورتیکه ما یهودیها او را می شناسیم، زیرا نجات بوسیله یهود به این دنیا می رسد.»
- ۲۵- زن گفت: «خوب، من لاف را می دانم که مسیح بزودی می آید. شما یهودیها هم این را قبول دارید و وقتی او بیاید همه مسایل را برای ما روشن خواهد کرد.»
- ۲۶- عیسی فرمود: «من همان مسیح هستم!»
- ۲۷- در همین وقت شاگردان عیسی از راه رسیدند و از اینکه دیدند او با یک زن گفتگو می کند، تعجب کردند، ولی هیچیک از ایشان جرأت نکرد پرسد چرا با او صحبت می کند.
- ۲۸- آنگاه زن کوزه خود را همانجا کنار چاه گذاشت و به ده بازگشت و به مردم گفت:
- ۲۹- «بیایید مردی را ببینید که هرچه تابحال کرده بودم، به من باز گفت. فکر نمی کنید که او همان مسیح باشد؟»
- ۳۰- پس مردم از ده بیرون ریختند تا عیسی را ببینند.
- عیسی از طریق کلام دانش همه چیز را در مورد روابط آن خانم با مردان مختلف را می دانست. بخاطر این هدیه، او (خانم) بیدار و منقلب شد.

مثالی دیگر؛ یوحنا در جزیره پاتموس است. عیسی خود را به او در رویایی ظاهر ساخت، در این رویای زنده عیسی شرایط هفت کلیسای آسیا را برای یوحنا آشکار نمود.

مکاشفه ۵- ۲:۱

- ۱- این پیغام را برای رهبر کلیسای افسس بنویس و به او چنین بگو: «آنکه در میان کلیساها قدم می زند و رهبران کلیساها را در دست راست خود نگاه می دارد، این پیغام را برای تو دارد:
- ۲- از اعمال نیک و زحمات و صبر تو آگاهم. می دانم که از هیچ گناهی در میان اعضای خود چشم پوشی نمی کنی و ادعای کسانی را که می گویند فرستاده خدایند، بدقت سنجیده ای و پی برده ای که دروغ می گویند.
- ۳- تو بخاطر من رنج و زحمت کشیده ای و مقاومت کرده ای.
- ۴- با اینحال ایرادی در تو می بینم: تو مرا مثل اول دوست نداری!
- ۵- پس بیاد آور از کجا سقوط کرده ای؛ و توبه کن و به جایی که اول بودی، باز گرد. وگرنه خواهیم آمد و شمعدان تو را از میان کلیساها برخواهم داشت.»

(باب ۳- ۲ مکاشفه را بیشتر مطالعه کن.)

نمونه دیگری در **اعمال رسولان ۱۲- ۱۰:۹** است:

- ۱۰- در دمشق، شخصی مسیحی به نام حنانيا زندگی می کرد. خداوند در رویاء به او فرمود: «حنانيا! «حنانيا جواب داد: «بلی، ای خداوند!»
- ۱۱- خداوند فرمود: «برخیز و به کوچه راست، به خانه یهودا برو و سراغ پولس طرسوسی را بگیر. الان او مشغول دعاست.
- ۱۲- من در رویا به او نشان داده ام که شخصی بنام حنانيا می آید و دست بر سر او می گذارد تا دوباره بینا شود!»

اینجا نیز دوباره کلام دانش در رویایی ظاهر می شود ولی ایندفعه برای مردی ساده، آنانیاس که همانند یوحنا رسول نبود. او پنجمین شبان یا مبشر نبود. انجیل او را شاگرد خطاب می کند. او عضو کلیسای دمشق بود. اگر خدا بخواهد مردان ساده نیز همانند کشیشان می توانند کلام دانش را دریافت نمایند. در این رویا خداوند به حنانيا گفت که به خانه ای مخصوص رود و برای سولس دعا کند. همزمان خداوند در رویایی شبیه رویای آنانیاس خود را برای سولس ظاهر ساخت و به او نشان داد که آنانیاس خواهد آمد و برای او دعای شفاعت خواهد کرد «تا او بینایی خود را باز یابد.» آنانیاس بطور طبیعی نمی توانست بداند که در خانه مخصوصی. مردی نشسته بود به نام سولس و در همان زمان در حال دعا بود. او این اطلاعات را هیچ طور دیگری بجز مکاشفه ای خارق العاده نمی توانست دریافت کند.

کلام دانش و هدایای فیض دیگر به ما برای شهادت قوی کمک می کنند.

من می خواهم گفته جان ویمبر را در کتاب خود، « آیات و معجزات خارق العاده » را باز گویی کنم: « من در آخر روز کاری خسته کننده ای بودم. من تازه در کنفرانسی در شیکاگو تعلیم داده بودم و درحال پرواز به نیویورک برای سخنرانی بودم. من تصور می کردم که در این پرواز می توانم چند ساعت قبل از دوباره تعلیم دادن استراحت کنم. ولی این پرواز به راحتی و با آرامشی که تصور کرده بودم نشد. بعد از صعود هواپیما من صندلی خود را به عقب بردم و کمربند خود را باز نموده و می خواستم استراحت کنم. چشمان من بی برنامه در کابین هواپیما جلو و عقب می رفت وسط هواپیما مردی میانسال نشسته بود که بنظر می رسید تاجر باشد. هیچ چیز عجیب یا غیر طبیعی در او نبود. ولی در عرض یکصدم ثانیه وقتی من بطرف او نگاه کردم چیزی دیدم که مرا شکه کرد. روی تمام صورت او با حروف واضح و برآقی زنا نوشته شده بود. اینرا من با چشمان طبیعی خود ندیدم بلکه باچشمان قلب خود دیدم من چشمانم را بستم و چشمانم را بهم مالیدم و دوباره نگاه کردم و روی صورت او هنوز هم نوشته شده بود: « زنا! هیچکس دیگری بغیر از من در هواپیما اینرا نمی دید. این روح خدا بود که با من حرف می زد. ولی فقط بخاطر اینکه این یک حقیقت روحانی بود کمتر حقیقی نبود. دراین زمان آن مرد توجه کرد که من درحال ذل زدن به او هستم. او با عصبانیت فریاد زد: از من چی می خواهی؟ وقتی او حرف زد من بفکر نام خانمی افتادم. این اتفاق برابم قبلاً نیز پیش آمده بود. من به اینکه روح القدس گاهی اوقات به آن وضوح با من صحبت می کرد عادت کرده بودم. من با اضطراب خم شدم و از او سؤال کردم: نام جین برای شما آشناست؟

صورت او به سفیدی جسد شد. او با لکنت زبان گفت: « ما باید باهم صحبت کنیم! » ما در یک هواپیمای بزرگ جمبوجت بودیم که طبقه بالای آن یک بار داشت. وقتی من دنبال وی از پله ها بالا رفتم صدای روح القدس را دوباره شنیدم: « به او بگو که اگر از زنا دست بر ندارد. مدت زیادی زنده نخواهد بود. » این عالی بود! من فقط می خواستم در راه نیویورک استراحت کنم! و الان من دریک بار با مردی که هرگز تابحال ملاقات نکرده بودم نشسته بودم. من حتی نمی دانستم اسم او چیست. ما هر دو با سکوت پر اضطراب نشستیم. او یک لحظه با شک بمن نگاه کرد و پرسید: کی به شما گفت که اسم او چیست؟ من گفتم: خدا گفت. من به اندازه کافی منقلب بودم که بطور نرمتری وارد این مطلب شوم. او با تعجب و شک و فریاد سؤال کرد: خدا؟ من با نفسی عمیق پاسخ دادم: بله همینطور است. او (خدا) همچنین از من خواست که به شما بگویم که اگر از زنا دست برداری چیزی از عمرت باقی نمانده است. با صدای نیمه خفه و با واژه پرسید: من چکار کنم؟ من برای او درمورد توبه و ایمان به مسیح توضیح دادم. من به او هشدار دادم که با من دعا کند. من با دستانم بهم چسبیده و ساکت شروع به دعا کردم و به او گفتم که بعد از من تکرار کند: « خدای نیکو من ... » من بیشتر از این نتوانستم دعا کنم چون اعتراف به گناه درون او رشد بسیاری کرد و به انفجار رسید. او به گریه افتاد و فریاد زد: « خدای نیکو مرا ببخش. » این شهادت جان ویمبر هدیه کلام دانش را در عمل دریک شرایط روزمره نشان می دهد. این شهادت دادن با قدرت است. آن مرد نجات پیدا کرد و زندگی گناهکارانه خود را بخاطر دانشی که در زندگی جان کار می کرد پشت سر گذاشت.

وقتی انسانهایی که به بشارت عیسی ایمان نمی آورند، قدرت خدا را بدین شکل می بینند، دری برایشان باز می شود که بشارت عیسی را بپذیرند و شاگردان او شوند. جان ویمبر در کتاب خود ادامه می دهد « چندین سال پیش یکی از همکاران من، بلین کوک در پروازی به نیویورک از لوس آنجلس کلام دانشی از خدا دریافت کرد درمورد هدایت میهمانداری در هواپیما به ایمان به عیسی. وقتی مدتی از پرواز گذشته بود، بلین به طرف آن میماندار رفت و با او صحبت کرد. در حین صحبت با او، روح القدس پنج اطلاعات مستقیم درمورد او به بلین داد. او بسیار از ازدواج نکردن واهمه داشت، او تازه رابطه با همخوابه خود را بهم زده بود، او با مادر خود قهر بود، او از مریضی وحشت داشت و بلین مرض های مختلفی را که او از آنها زجر می کشید را نام برد. این افکار باسرعت پشت سرهم به سوی او آمدند و او می دانست که آنها از طرف خدا هستند. آن خانم به گریه افتاد و از او پرسید که او چگونه همه اینها را می دانست. او جواب داد: « من کسی را می شناسم که هرگز تو را ترک نخواهد کرد و تمام بیماریهای تو را شفا خواهد داد. بلین برای او دعا کرد و او شفا یافت. او برایش تعریف کرد که عضو کلیسایی شده است و نشانه های بیماریهای او هرگز باز نگشته اند و اینکه او نامزد کرده است. »

کلام حکمت:

این کلامی از حکمت خداست که در شرایطی درمورد آینده بخشیده می شود. این دانش آموختنی نیست، همیشه ظاهر نمی شود و ما را درمورد آینده نصیحت می کند. کلام حکمت و کلام دانش اغلب باهم کار می کنند. مثلاً همانطوریکه ما زیر تیتر کلام دانش نشان دادیم وقتی خداوند در جزیره باتموس با یوحنا صحبت کرد به شکل رویایی بود که در آن عیسی شرایط مختلف کلیساها را برای او مکاشفه کرد. این نشانه کلام دانش بود. بعد خداوند با کلام حکمت این رویا را برای یوحنا ادامه داد. او به تک تک کلیساها گفت که براساس خواسته و هدف او در آینده چکار خواهند کرد. در آن رویا هم کلام دانش و هم کلام حکمت در عمل بودند. امثال دیگری در عهد عتیق در سرزمین پارس می بینید. اگر شما ایرانی هستید فکر کنم که برایتان جالب باشد. (به قسمت کتابها روی سایت نجات برای تو برو و کتاب ایران در انجیل را بخوان.)

کلام حکمت برای اطمینان بر حفاظت الهی خدا استفاده می شود.

اعمال رسولان ۱۰: ۲۷

۱۰- پولس هم این موضوع را به کارکنان کشتی تذکر داده، گفت: «آقایان، من مطمئن هستم اگر جلوتر برویم، در زحمت خواهیم افتاد. شاید کشتی از هم متلاشی شود یا مجبور شویم بار کشتی را بدریا بریزیم و سرنشینان صدمه ببینند، یا حتی بعضی بمیرند.»

وقتی پولس وارد کشتی در راه رم شد، طوفان خشنی راه افتاد. پولس کلام حکمت دریافت کرده بود قبل از اینکه ملوانان دکل را بالا ببرند. اگر کاپیتان به حرف پولس گوش کرده بود، کشتی و تمام بار خود را از دست نداده بود. در آخر امید نجات آنها تمام شده بود. ولی در تمام این بدبختی پولس راسخ ایستاده بود. پولس صدای خدا را شنیده بود. همه می خواستند کشتی را ترک کنند ولی وقتی در کشتی باقی ماندند، هیچکس نمرد. همه ما احتیاج به همچنین هدیه خارق العاده ای داریم. خدا را شکر که او می خواهد آن را بما ببخشد.

تشخیص و تفتیش ارواح:

نگاه کن به دنیای روحانی (که می تواند دید، رویا یا خواب باشد) را می بخشد "فرشتگان، ارواح شیطانی یا روح انسانی و شرایط آن. هم طرف نیکو و هم طرف شرور. مکاشفه محدود به دید ماست. این کمک بزرگی است در دعای شفاعت برای مریضی و رهایی. شناسایی و تفتیش ارواح در گروهی که چیزی را مکاشفه می کند است. اگر ما آن هدایا را به ترتیب اهمیت نشان دهیم می شود:

۱- کلام حکمت

۲- کلام دانش

۳- تشخیص ارواح

نام این سه هدایا در قسمت دانش هستند: واقعیت، اتفاقات، اهداف، تاریخچه، سرنوشت، انسانی، الهی، شیطانی، طبیعی یا خارق العاده، گذشته، فعل یا آینده. تمام اینها جزو یکی از این سه هدایا هستند. کلام حکمت ذهن و هدف خدا را برای ما آشکار می سازد. ما درک می کنیم که چرا باید این گروه بزرگترین هدایا باشند. چون از همه چیز مهمتر، شناختن خواسته ها و اهداف خداست. کلام دانش برای ما درمورد حال فعل یا گذشته مکاشفه می کند. تشخیص ارواح دیدی در دنیای روح است. این هدیه محدودتر از آن دو هدایای دیگر است چون متمرکز بر یک جهت، ارواح است. تشخیص ارواح به من کمک می کند که بفهمم چه نوع روحی پشت یک ظهور خارق العاده خوابیده است یعنی نیکو بودن یا شرور بودن آن.

اعمال رسولان ۱۸- ۱۶: ۱۶

۱۶- یکدیگر را با محبت خالص، روبروسی کنید. تمام کلیساهای اینجا به شما سلام می فرستند.

۱۷- پیش از آنکه نامه را بپایان ببرم، مایلم نکته دیگر را اضافه کنم: از آنانی که دو دستگی و تفرقه ایجاد می کنند، دوری کنید زیرا چنین اشخاصی باعث سستی ایمان دیگران می باشند و می خواهند عقایدی را درباره مسیح تعلیم دهند که با آنچه شما آموخته اید مغایرت دارد.

۱۸- چنین معلمان، خداوند ما عیسی مسیح را خدمت نمی کنند، و فقط در پی نفع خودشان هستند. ایشان خوب سخنرانی می کنند و مردم ساده دل نیز اغلب فریب ایشان را می خورند.

پولس می دانست که آن دختر خادمی که دنبال گروه او راه افتاده بود روح جادو داشت چون هدیه تشخیص ارواح در حیات او در عمل بود. او (پولس) در خیابان رو به آن دختر نمود و مستقیماً با آن ارواح صحبت کرد. پولس با آن دختر اصلاً کاری نداشت. او با آن روح صحبت کرد و به آن فرمان داد که از آن دختر بیرون آید. بعد از آن، آن دختر دیگر نمی توانست طالع بینی کند، پولس با آن روحی که در آن شخص فعال بود و نه خود شخص برخورد کرد. ظهور چیزهای مختلف در دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم از سرچشمه های مختلف می آید. خیلی چیزهایی که ما فکر می کنیم خارق العاده هستند در واقع از خدا نازل نمی شوند. شیطان نیز موجودی خارق العاده است. اکثر مواقع انسانها حاضرند پیرو همه چیز شوند چه انجیلی (بر اساس تعالیم انجیل) باشد یا نه. هدیه تشخیص ارواح برای دیدن و پیدا کردن خطاهای دیگران نیست. این هدیه در مورد انسانها نیست بلکه برای تشخیص ارواح می باشد.

۲- هدایای قدرت: هدایایی که کاری انجام می دهند.

* هدیه ایمان:

هدیه ایمان همان ایمانی که همه ما داریم (آن ایمانی که ما را نجات داد و ایمان به کلام او [عیسی]) نیست. هدیه ایمان تحت الفظی یعنی وقتی ایمان انسان به حد ایمان الهی خدا رسیده است. وقتی ایمان آدم از ایمان منفجر می شود. هدیه ایمان وابسته به هدیه معجزات است که هدیه ایمان قسمت غیرفعال آن است. می شود گفت که هدیه ایمان معجزات را دریافت می کند و هدیه معجزات آنرا اجرا می کند.

* هدیه معجزات:

این هدیه وابسته به هدیه ایمان است. خدا قوانین طبیعت را خلق کرد. او می تواند هر طوری که بخواهد آنها را عوض کند. معجزه چیزی است که کاملاً خارج از قوانین فیزیکی یا طبیعی واقع می شود.

موسی و دریای سرخ.

خروج ۲۹- ۲۱ و ۱۶: ۱۴

۱۶- و تو عصای خود را بطرف دریا دراز کن تا آب آن شکافته شود و قوم اسرائیل از راهی که در وسط دریا پدید می آید، عبور کنند.

۲۱- سپس موسی عصای خود را بطرف دریا دراز کرد و خداوند آب دریا را شکافت و از میان آب راهی برای عبور بنی اسرائیل آماده ساخت. تمام شب نیز از مشرق باد سختی وزیدن گرفت و این راه را خشک کرد.

۲۲- بنابراین، قوم اسرائیل از آن راه خشک در میان دریا گذشتند درحالی که آب دریا در دو طرف راه، همچون دیواری بلند برپا شده بود.

۲۳- در این هنگام تمام سواران و اسبها و عرابه های فرعون در پی قوم اسرائیل وارد دریا شدند.

۲۴- در سپیده دم، خداوند از میان ابرو آتش بر لشکر مصر نظر انداخت و آنها را آشفته کرد.

۲۵- چرخهای همه عرابه ها از جا کنده شدند چنانکه بسختی می توانستند حرکت کنند. مصری ها فریاد برآوردند: «بیا بید فرار کنیم چون خداوند برای اسرائیلیها با ما می جنگد.»

۲۶- وقتی همه قوم اسرائیل به آنطرف دریا رسیدند خداوند به موسی فرمود: «بار دیگر دست خود را بطرف دریا دراز کن تا آنها برسر مصریها و اسبها و عرابه ها پشان فروریزند.»

۲۷- موسی این کار را کرد و سپیده دم آب دریا دوباره به حالت اول باز گشت. مصریها کوشیدند فرار کنند، ولی خداوند همه آنها را در دریا غرق کرد.

۲۸- پس آب برگشت و تمام عرابه ها و سواران را فرو گرفت، بطوریکه از لشکر فرعون که به تعقیب بنی اسرائیل پرداخته بودند حتی یک نفر هم زنده نماند.

۲۹- به این ترتیب، بنی اسرائیل از میان راهی که بر دو طرف آن دیوارهای بلند آب برپا شده بود گذشتند.

این یک معجزه است و کاملاً بر علیه قوانین طبیعت بود. ولی هدیه ایمان نیز باید در عمل می بود تا آنها بتوانند وارد کف دریا شوند وقتی دریا همانند دیوار دور آنها بود.

خانم و آرد در کوزه، اول تواریخ ۱۶-۱۲:۱۷

- ۱۲- او همان کسی است که خانه ای برای من می سازد. من سلطنت او را تا به ابد پایدار می کنم.
- ۱۳- من پدر او و او پسر من خواهد بود و محبت من از او دور نخواهد شد، آنطور که از شائول دور شد.
- ۱۴- تا به ابد او را بر قوم خود و سرزمین اسرائیل خواهم گماشت و فرزندانش همیشه پادشاه خواهند بود.
- ۱۵- پس ناتان نزد داود بازگشت و آنچه را که خداوند فرموده بود به او گفت.
- ۱۶- آنگاه داود به خیمه عبادت رفت و در آنجا نشسته، در حضور خداوند چنین دعا کرد: «ای خداوند، من کیستم و خاندان من چیست که مرا به این مقام رسانده ای؟»

اینجا نیز ما یک معجزه می بینیم. در عهد جدید ما می بینیم که پولس چطور با قدرت روح القدس با آن هدیه در عمل بود.

پولس و جادوگر ۱۲-۴:۱۳

- ۴- برنابا و پولس با هدایت روح القدس سفر خود را آغاز کردند. نخست به بندر سلوکیه رفتند و از آنجا با کشتی عازم جزیره قبرس شدند.
- ۵- در قبرس به شهر سلاامیس رفتند و در کنیسه یهودیان کلام خدا راموعظه کردند. یوحنا معروف به مرقس نیز همراه ایشان بود و کمک می کرد.
- ۶- در آن جزیره، شهر به شهر گشتند و پیغام خدا را به مردم رساندند تا اینکه به شهر پافس رسیدند. در پافس به یک جادوگر یهودی برخوردند به نام باریشوع که ادعای پیغمبری می کرد و با «سرجیوس پولس» که فرماندار رومی قبرس و شخصی برجسته و دانا بود، طرح دوستی ریخته بود.
- ۷- فرماندار برنابا و پولس را بحضور خود احضار کرد، چون میخواست پیغام خدا را از زبان آنان بشنود.
- ۸- ولی آن جادوگر که نام یونانی او آلیما بود، مزاحم شد و نمی گذاشت فرماندار به پیغام برنابا و پولس گوش دهد و سعی می کرد نگذارد به خداوند ایمان بیاورد.
- ۹- آنگاه پولس که سرشار از روح القدس بود، نگاه غضب آلودی به آن جادوگر انداخت و گفت:
۱۰- «ای فرزند شیطان، ای حيله گر بد ذات، ای دشمن تمام خوبیها، آیا از مخالفت با خدا دست بر نمی داری؟»
۱۱- حال که چنین است خدا ترا چنان می زند که تا مدتی کور خواهی شد!» چشمان الیما فوری تیره و تار شد. او کورکورانه به اینسو و آنسو می رفت و التماس می کرد یک نفر دست او را بگیرد و راه را به او نشان دهد.
۱۲- وقتی فرماندار این را دید از قدرت پیام خدا متحیر شد و ایمان آورد.

انجام معجزات؛ ظهور مهمی از روح القدس است. این قدرت عظیم خداست، که از طریق یک شخص جریان پیدا می کند. می شود گفت که آدم شریک همان قدرتی است که وقتی خدا آسمان و زمین را آفرید، جریان داشت.

* هدایای شفا:

این توانایی خودمختار خداست که مریضان را با هر گونه ایمانی که داشته باشند شفا بخشد. شفا بعنوان مختلف بدست می آید معمولی ترین نوع آن اینست که ایماندار کلام خدا را می شنود و از آن طریق ایمان دریافت شفا را پیدامی کند. (مطلب شفا را بیشتر مطالعه کن). وقتی هدایای شفا به عمل می افتند، روح القدس خود مختار است و فقط شفا می دهد ولی بطریق خود و هر کسی را که بخواهد.

مثلاً مرد کنار سد بتسدا در یوحنا ۹-۲:۵

۲- داخل شهر، نزدیک دروازه ای بنام «دروازه گوسفند»، استخری بود به اسم «بیت حسدا»، با پنج سکوی سرپوشیده در اطرافش.

۳- در آنجا دسته دسته بیماران کور و لنگ و افلیج بروی زمین دراز کشیده بودند و منتظر بودند آب استخر تکان بخورد.

۴- زیرا معتقد بودند که هر چند وقت یکبار، فرشته ای از آسمان می آید و آب استخر را تکان می دهد. آنگاه اولین کسی که داخل استخر شود، شفا می یابد.

- ۵- یکی از بیماران که آنجا افتاده بود، مردی بود که سی و هشت سال تمام زمینگیر بود.
- ۶- وقتی عیسی او را دید و پی برد که بیماریش طول کشیده است، پرسید: «می خواهی شفا بیابی؟»
- ۷- بیمار جواب داد: «دیگر رمقی در بدنم نمانده است. کسی را نیز ندارم که وقتی آب تکان می خورد، مرا در استخر بیندازد. تا می آیم بخود حرکتی بدهم، می بینم که قبل از من، دیگری داخل آب شده است.»
- ۸- عیسی به او فرمود: «برخیز، بسترت را جمع کن و به خانه برو!»
- ۹- همان لحظه بیمار شفا یافت و بستر خود را جمع کرد و براه افتاد. ولی آنروز که عیسی این معجزه را کرد، شنبه و روز استراحت یهودیان بود.

عیسی این هدایا را کاملاً دارا بود ولی قبل از اینکه روح القدس بروی او نازل نشده بود، هیچگونه معجزاتی انجام نداد.

اعمال رسولان ۱۰:۳۸

۳۸- و بدون شک می دانید که خدا عیسی ناصری را مسیح تعیین کرد و با روح القدس و قدرت خود به این دنیا فرستاد. او به همه جا می رفت، کارهای نیک انجام می داد و تمام کسانی را که اسیر ارواح ناپاک بودند شفا میداد، زیرا خدا با او بود.

هدایای شفا، شفای خارق العاده بیماریهاست بدون هیچ نوع وسیله های طبیعی. همانند تمام هدایای دیگر کاملاً خارق العاده است. بین در ایمان دست گذاردن ایمانداران بروی بیماران و شفا یافتن آنها و هدایای شفا اختلاف بزرگی است. این هدایا شخص را شناسایی می کند و بعد خدا از طریق نیروی روح القدس آن شخص را شفا می بخشد. شبانی که این هدایای شفا را در دست دارد، بنی هین است که شما حتماً او را در کانالهای ماهواره ای دیده اید.

هدایای تشویق: هدایایی که چیزی می گویند.

*** هدیه نبوت:**

این هدیه در این گروه بزرگترین است. نبوت کردن یعنی سخنگوی نماینده بودن و کلام خدا را با تشویق و تحت تأثیر روح القدس ذکر کردن. نبوت کردن خارق العاده صحبت کردن با زبانی آشناست.

اول قرنیتیان ۵-۱:۱۴

- ۱- پس محبت را مهمترین هدف زندگی خود بدانید. اما در عین حال مشتاقانه دعا کنید تا روح القدس عطایای روحانی را نیز به شما عنایت فرماید، خصوصاً عطای نبوت را، یعنی عطای دریافت پیغام از خدا و اعلام آن ب دیگران.
- ۲- اگر کسی عطای سخن گفتن به زبانها را دارد، یعنی به زبانهایی سخن می گوید که قبلاً نیاموخته است، در اینصورت با این زبانها فقط با خدا سخن می گوید نه با مردم، زیرا دیگران گفته های او را درک نمی کنند، چون او با روح القدس، بصورت راز تکلم می کند.
- ۳- اما کسی که نبوت می کند، یعنی پیغام های خدا را به ایمانداران اعلام می کند، با اینکار به آنان کمک می نماید تا رشد کنند، تشویق شوند و تسلی یابند.
- ۴- پس کسی که به زبانها سخن می گوید، فقط به رشد خود کمک می کند، اما آنکه نبوت می نماید، به رشد تمام کلیسا کمک می کند تا همه در پاکی و شادی پیشرفت نمایند.
- ۵- آرزوی من اینست که همه شما بزبانها سخن بگویید، اما بیشتر دلم می خواهد که نبوت کنید، زیرا نبوت کردن بهتر است از سخن گفتن بزبانها، مگر آنکه کسی بتواند مطلبی را که شما به زبانهای غیر می گوید، برای دیگران ترجمه کند تا ایشان نیز از آن بهره مند شوند.

این هدیه برای تقویت، هشدار و دلداری است. این هدیه برای تقویت کلیساست. و تحت تأثیر روح القدس جریان دارد و لیریز می باشد. این چیزهایی را معرفی می کند که آدم از قبل به آن فکر نکرده است و بعنوان مختلف بیان می شود: سرود، موزیک، دعا و البته از طریق صحبت کردن. این هدیه مهمی است که می تواند کانالی باشد برای هدایای دیگر مثل کلام دانش و کلام حکمت. خدا می خواهد خواسته خود را به زبان آورد تا خواسته اش اجرا شود. «خدا گفت و انجام شد.» (در پیدایش - یادآوری مترجم) بدین خاطر مهم است که این هدیه در کلیسا جریان داشته باشد.

* به زبانها حرف زد:

این هدیه بزبانی ناشناخته صحبت کردن است. این هدیه پایین تر از نبوت کردن است اگر ترجمه آن نباشد. این زبان زبان عادی انسان نیست. این هدیه برای تقویت کلیساست.

*ترجمه زبانها:

این یک توانایی خارق العاده است برای ترجمه زبانها که با هدیه بزبانها حرف زدن ذکر می شود. در این حال ارزش این هدیه با نبوت یکسان می شود. طوری که کسانی که می شنوند درک می کنند.

این هدایا را چطور بدست می آوریم؟

- ۱- شما باید البته نجات یافته باشی و عیسی خداوند شما باشد.
 - ۲- روح القدس را پذیرفته باشی و به زبانها صحبت کنی (مطلب شخص روح القدس را مطالعه کن.)
 - ۳- اول قرنیتیان ۱۱: ۱۲-۱۱» اما تمام این عطایا از جانب یک روح، یعنی همان روح القدس است، و اوست که تصمیم می گیرد به هر کس چه عطایی ببخشد.»
- خدا می خواهد بهر کسی هدایای مخصوصی ببخشد. او آن هدایا را براساس خواسته خود و برای منفعت همگان می بخشد. پس این خداست که تصمیم می گیرد که چه هدیه یا هدایایی را بشما ببخشد.
- ۴- اول قرنیتیان ۳۱: ۱۲-۳۱» نه، چنین نیست. پس تا آنجا که می توانید، بکوشید که بهترین عطایا را دریافت کنید. اما اجازه دهید ابتدا راهی را به شما نشان دهم که از تمام این عطایا برتر است.»
- دللتنگ این هدایا باشید. یعنی دلنتگی و تشنگی خاصی برای دریافت آنها داشته باشید. دعای شما برای دریافت این هدایا باید اینطور باشد: «خدا یا من باید شریک این هدایا شوم تا بتوانم بهتر بتو خدمت کنم.»
- ۵- راه محبت اول قرنیتیان ۱: ۱۳ و ۱۲: ۳۱-۱» اگر عطای سخن گفتن به زبانهای مردم و فرشتگان را داشته باشم، زبانهایی که هیچگاه نیاموخته ام اما در وجود خود نسبت به انسانها محبت نداشته باشم، همچون طبلی توخالی و سنجی پر سروصدا خواهم بود.»
- ۳۱- «نه، چنین نیست. پس تا آنجا که می توانید، بکوشید که بهترین عطایا را دریافت کنید. اما اجازه دهید ابتدا راهی را به شما نشان دهم که از تمام این عطایا برتر است.»
- محبت به گمراهان و دلسوزی شد برای آنان. شما دست خود را به طرف خدا دراز می کنید به خاطر اینکه چیزی داشته باشید که به گمشدگان دهید و دلنتگی شدیدی به رفع احتیاجات پیدا می کنید.

این هدایا چطور درما عمل می کنند؟

برای اینکه هدایای روح القدس در شما کار کند باید مکالمه بازی بین شما و روح القدس باشد. این ارتباط عناوین مختلفی دارد:

الف - ما اطلاعات و طرز کار یا هردو را از روح القدس دریافت می کنیم. رسیدن این اطلاعات از شخص به شخص فرق می کند. مهم اینست که ما آنرا شناخته و جواب دهیم.

- ۱- خدا محبت می کند: وقتی خدا محبت میکند اغلب طرز کار دقیق می باشد. مثلاً «یکنفر در جلسه است که درد شدیدی در بازوی راست خود دارد و خداوند می خواهد تو را شفا دهد.» شما آنرا به زبان می آورید و یکنفر می داند که آن درمورد اوست و در آن زمان ایمان می آورد که «خدا می خواهد مرا شفا دهد.» آن شخص جلو می آید و شما به آن درد فرمان می دهید که شفا یابد.
- ۲- خدا تصویری را نشان می دهد: یک تصویر همزمان اطلاعات زیادی می بخشد ولی دقیق نیست و براحتی زیادی تفسیر می شود. مثلاً شما می توانید تصویر کسی را در غم یا افسردگی عمومی ببینید ولی خدا می خواهد آن شخص را

تشویق کند. شما نمی دانید که آن شخص چه نوع غمی دارد و فقط آنچه که می بینید را می دانید ولی آنچه را که می بینید به زبان می آورید. و در آن حالت کسی خود را در آن تشریح می شناسد و خدا بدین شکل او را تشویق می کند.

۳- یک احساس فیزیکی (طبیعی): کسی در گروه شما دستش درد می کند. هیچکس بغیر از آن کسی که درد دارد اینرا نمی داند. ناگهان شما احساس می کنید که دست شما درد می کند. شما در آن لحظه درک می کنید که روح القدس می خواهد نشان دهد که کسی دیگر این درد را دارد. شما اینرا بزبان می آورید: دست کسی درد می کند و اینطوری احساس می شود. خدا می فرماید که می خواهد شما را شفا بخشد. کسی که درد دارد اینقدر سورپریز و شاد می شود از اینکه خدا اینقدر مهربان و متوجه است. شما برای درد آن شخص دعا می کنید و او آن واحد شفا پیدا می کند و البته درد شخصی شما نیز خیلی وقت پیش از بین رفته است.

۴ - هدایای تشویقی: اغلب طوری کار می کند که شما تحت لمس روح القدس برای صحبت می آید. روح القدس فشار می آورد. شما احساس می کنید که ضربان قلبتان بالا می رود. ولی وقتی شما دهانتان را باز می کنید فواره ای از کلام روح القدس بیرون می آید.

ب - ما اطلاعات را معرفی می کنیم و یا به طرز کار عمل می کنیم: وقتی ما بیکی از طرفی که قبلاً توضیح دادیم اطلاعات را دریافت می کنیم، آنرا معرفی می کنیم و یا به گفته روح القدس عمل می کنیم.

پ - ظهور: نتیجه اطاعت و عمل کردن به گفته روح القدس رهایی شفا و یا رفع هر نوع احتیاجی که موجود است، می باشد. انسانها کمک می یابند، ایمان آنها رشد می کند و خدا جلال می یابد. برای جریان یافتن هدایای روح القدس در وجود شما باید به او اعتماد کرده و آشنایی پیدا کنید. خدا هیچ چیز به سموئیل نگفت، تا زمانی که او به صدای خدا جواب داد.

اول سموئیل ۱۴ - ۱:۳

- ۱- در آن روز هایی که سموئیل کوچک زیر نظر عیسی، خداوند را خدمت می کرد، از جانب خداوند بندرت پیغامی می رسید.
- ۲ و ۳ - عیسی، چشمانش بسبب پیری تار شده بود. یک شب وقتی او در جای خود و سموئیل هم در خیمه عبادت که صندوق عهد خدا در آن قرار داشت، خوابیده بودند، نزدیک سحر
- ۴ و ۵ - خداوند سموئیل را خواند و سموئیل در جواب گفت: « بلی، آقا! » و از جا برخاسته، نزد عیسی شتافت و گفت: « چه فرمایشی دارید؟ در خدمتگزاری حاضرم.» عیسی گفت: « من تو را نخواندم؛ برو بخواب! » او رفت و خوابید.
- ۶- بار دیگر خداوند سموئیل را خواند. این دفعه نیز او برخاست و نزد عیسی شتافت و باز گفت: « چه فرمایشی دارید؟ در خدمتگزاری حاضرم.» عیسی گفت: « پسر من تو را نخواندم؛ برو بخواب! »
- ۷- سموئیل نمی دانست که این خداوند است که او را می خواند چون تا آن موقع، خداوند با او سخن نگفته بود.
- ۸- خداوند برای سومین بار سموئیل را خواند و او چون دفعات پیش برخاسته، نزد عیسی رفت و باز گفت: « چه فرمایشی دارید؟ در خدمتگزاری حاضرم. آنگاه عیسی دریافت که این خداوند است که سموئیل را می خواند.
- ۹- پس به او گفت: « برو بخواب! اگر این بار تو را بخواند بگو: خداوند بفرما، خدمتگزاری گوش بفرمان تو است.» پس سموئیل رفت و خوابید.
- ۱۰- باز خداوند سموئیل را مانند دفعات پیش خواند: « سموئیل! سموئیل! » و سموئیل گفت: « بفرما، خدمتگزاری گوش بفرمان توست.»
- ۱۱- خداوند به او فرمود: « من در اسرائیل کاری انجام خواهم داد که مردم از شنیدنش به خود بلرزند.
- ۱۲- آن بلاهایی را که درباره خاندان عیسی گفتم بر او نازل خواهم کرد.
- ۱۳- به او گفته ام که تا ابد خانواده او را مجازات می کنم، چونکه پسرانش نسبت به من گناه می ورزند و او با اینکه از گناه ایشان آگاه است آنها را از این کار باز نمی دارد.
- ۱۴- پس به تأکید اعلام داشتیم که حتی قربانی و هدیه نمی تواند گناه خاندان عیسی را کفاره کند.»

ما حال این هدیه های فیض روح القدس را مرور کردیم. خدا می خواهد که شما شریک آنان شوید. گرسنه و مصمم باشید: « من باید شریک هدایای فیض روح القدس باشم.» خدا به شما برکت دهد. اگر شما سئوالی دارید و یا می خواهید در مورد چیزی صحبت کنید از طریق صفحه « تماس » در سایت نجات برای تو با ما تماس بگیرید.

دوستدار شما

شبان و دوست شما

فرستادن جوابهای سئوالات این امتحان را فراموش نکنید.

امتحان

۱- چند هدایا در اول قرن نهم ۱۲ شمرده شده است؟

.....

۲- سه گروه هدایا را نام ببرید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-

۳- ما بر طبق اول قرن نهم ۱۲ باید دلننگ چه هدایایی باشیم؟

.....

۴- چه راهی از همه راه ها مهمتر و بهتر است برای بدست آوردن هدایای روحانی؟

.....

۵- آیا هدیه ایمان همان ایمان نجات یافتن است؟

- ۱- آری
- ۲- خیر

۶- کدامیک از هدایا کلام دانش در مورد آینده را معرفی می کند؟

.....